

فصل اول

بررسی اهم مصوبات سیاسی اجلاس وزرای امور خارجه «سکا»

به طور کلی، اهم موضوعات سیاسی «سکا» که در بیست و دو اجلاس وزرای امور خارجه این سازمان طرح گردیده و به تصویب شرکت کنندگان رسیده است را می توان به دو دسته تقسیم بندی کرد:

۱. موضوعاتی که دائماً در دستور کار اجلاس های مختلف وزرای خارجه «سکا» قرار می گیرد و برای دولتهای اسلامی اهميت استراتژیک دارد. به عبارت دیگر، این موضوعات الهام گرفته از اهداف مندرج در منشور «سکا» می باشد.
۲. موضوعاتی که به تناسب رویدادهای مهم سیاسی که در جهان اسلام به وقوع می پیوندد، طرح می شود و نمایندگان دولتهای اسلامی به اتخاذ مواضع در قبال آن می پردازند.

بند اول - بررسی موضوعات سیاسی که مستمراً در دستور کار اجلاسهای وزرای امور خارجه قرار می گیرد

الف) مسأله فلسطین، تجاوزات رژیم صهیونیستی، بیت المقدس

از آنجا که اصل ترین هدف «سکا» «حفظ آرامش و صلح در اماکن مقدسه و آزادسازی

بررسی اهم مصوبات سیاسی اجلاس وزرای امور خارجه «سکا» / ۱۸۳

اولین اجلاس وزرای امور خارجه «سکا» به صورت اختصاصی، مسأله فلسطین و قدس شریف را مورد بررسی قرارداد. در این اجلاس، روز ۲۱ آگوست (روز به آتش کشیدن مسجدالاقصی)، به عنوان روز همبستگی اسلامی از سوی دولتهای اسلامی تعیین شد. دومین اجلاس وزرای خارجه «سکا»، دربرگیرنده نقطه عطف جدیدی پیرامون مسأله فلسطین نبود و تنها، حمایت کشورهای اسلامی از ملت فلسطین در مبارزه مشروعش به منظور آزادسازی سرزمین فلسطین را مورد تأکید قرارداد.

در سومین اجلاس وزرای خارجه «سکا» مسأله فلسطین و قدس شریف در صدر موضوعات مطروحه قرار گرفت. کشورهای اسلامی بار دیگر اسرائیل را به، دلیل دشمنی علیه کشورهای عربی در جنگ ۱۹۶۷ و به دلیل نادیده گرفتن اصول ملل متحد و عدم اجرای قطعنامه‌های آن سازمان محکوم کردند. این کشورها، از رژیم اسرائیل خواستند از تمام سرزمینهای عربی که در ۵ ژوئن ۱۹۶۷ اشغال کرده است، خارج شود.

در مورد موضوع یهودی کردن قدس و اسکان قوم یهود در این مکان مقدس توسط صهیونیستها، کنفرانس با تأکید بر قطعنامه کنفرانس سران اسلامی در مورد قدس و با ضروری دانستن اجرای قطعنامه‌های سازمان ملل و سازمانهای بین‌المللی، اشغالگران اسرائیلی را برای توقف انضمام و یهودی کردن شهر قدس و تغییر ارزشهای دینی و تاریخی آن دعوت کرد^۱.

در چهارمین اجلاس وزرای امور خارجه «سکا»، بار دیگر مسأله فلسطین در ابعاد وسیع‌تر از آنچه در اجلاس‌های گذشته طرح شد مورد بررسی قرار گرفت. به طور کلی این اجلاس دارای نکات جدیدی بود که ذیلاً از نظر می‌گذرد:

۱. از کشورهای عضو سازمان کنفرانس درخواست شد تا دفاتر سازمان آزادی بخش

۲. از کشورهای عضو درخواست می‌کند تا موضع روشنی پیرامون روابطشان با دشمن صهیونیستی اتخاذ نمایند و مجدداً تقاضا می‌کند که روابط سیاسی و اقتصادی با این رژیم را قطع کنند.

۳. از دولتهای بزرگ می‌خواهد که از کمک‌های تسلیحاتی و اقتصادی و فنی به رژیم صهیونیستی خودداری کنند.

۴. کنفرانس از همه دولتها درخواست می‌کند که از مهاجرت یهودیان به فلسطین اشغالی جلوگیری کند.

۵. اجرای توصیه پیرامون ایجاد صندوقی به نام «صندوق جهاد برای فلسطین»^۱ به نظر می‌رسد که علت اتخاذ مواضع مترقی از سوی «سکا» در قبال رژیم صهیونیستی، از دو عامل نشأت می‌گیرد.

الف) برگزاری چهارمین اجلاس وزرای امور خارجه «سکا» در بنغازی لیبی. دولت لیبی در زمره دولتهای عضو جبهه پایداری قرارداد که تلاش سازمان یافته‌ای را در «سکا» علیه رژیم صهیونیستی سامان داده و قطعنامه‌ای که از نظر گذشت، می‌تواند در راستای این تحرکات، به تصویب دولتهای اسلامی رسیده باشد.

ب) مواضع تند اجلاس چهارم وزرای امور خارجه «سکا»، زمینه‌های سیاسی لازم را برای جنگ اکتبر ۱۹۷۳ اعراب علیه اسرائیل و تحریم نفتی دولتهای عرب عضو سازمان کشورهای عرب صادرکننده نفت (اوپک) در همین تاریخ را فراهم ساخت.^۲

در هر حال، پس از گذشت چهار سال از تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی، این سازمان در اجلاس چهارم وزرای امور خارجه خود خواستار اتخاذ اقدامات عملی در مورد مسأله

بررسی اهم مصوبات سیاسی اجلاس وزرای امور خارجه «سکا» / ۱۸۵

در پنجمین اجلاس وزرای امور خارجه «سکا»، صندوق همبستگی اسلامی موظف شد تا با سیاست «یهودی کردن» بیت المقدس از سوی صهیونیست‌ها، که از طریق تخریب اماکن مقدس مسلمانان و خرید زمین آنها صورت می‌گیرد، مقابله کند^۱.
در اجلاس هفتم و هشتم وزرای امور خارجه «سکا»، نکته قابل توجه و جدیدی ملاحظه نمی‌شود.

سازمان کنفرانس اسلامی در این دو اجلاس، به تکرار مواضع گذشته خود در قبال رژیم اسرائیل پرداخت.

اجلاس نهم وزرای امور خارجه «سکا» ضمن تأکید بر مواضع سابق پیرامون استقرار صلح عادلانه و دائمی در خاورمیانه، موضوع روابط دو جانبه کشورهای عضو کنفرانس اسلامی با رژیم صهیونیستی را مورد توجه قرار داده است.

در بخشی از قطعنامه پیرامون فلسطین آمده است، کنفرانس اعلام می‌کند که کلیه روابط دیپلماتیک، کنسولی، اقتصادی، فرهنگی، هنری، ورزشی، جهانگردی و ارتباطات با رژیم صهیونیستی باید در تمامی سطوح رسمی و غیررسمی قطع گردد. این قطعنامه به منزله تعهد همگانی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی تلقی می‌شود. در این قطعنامه، از دبیرکل «سکا» درخواست شده که گزارشی پیرامون اجرای این قطعنامه با الهام از قطعنامه‌های سران اسلامی و وزرای امور خارجه در خصوص مسأله فلسطین به کنفرانس دهم وزرای امور خارجه ارائه کند^۲.

در دهمین اجلاس وزرای امور خارجه «سکا»، قاطبه دولتهای اسلامی تصمیم گرفتند؛ عضویت دولت مصر در سازمان کنفرانس اسلامی و ارگانهای فرعی آن را به دلیل تخطی از

در این قطعنامه، بازگشت مصر به جرگه کشورهای اسلامی منوط به فسخ قرارداد صلح دو جانبه کمپ دیوید^۱ والگای کامل آثار حقوقی آن از سوی مصر شده است. کنفرانس، ایالات متحده آمریکا را به دلیل نقش این کشور در امضای این قرارداد و تلاش برای تحمیل آن به ملت فلسطین محکوم کرد.

البته دولتهای عمان و سودان از رای دادن به این قطعنامه امتناع ورزیدند و دولتهای سنگال، گابن، گامبیا، نیجر، ولتای علیا، گینه بیسائو در این رأی گیری شرکت نکردند^۲.

تصمیم اجلاس دهم وزرای امور خارجه «سکا»، پیرامون تعلیق عضویت مصر از سازمان کنفرانس اسلامی مؤید این نظر است که در صورت اتفاق آرای کشورهای اسلامی در مورد موضوعی خاص، تخلف از مفاد آن توافق تبعات حقوقی و سیاسی جدی در پی خواهد داشت. در این قطعنامه، همچنین رژیم اسرائیل به دلیل اجرای سیاست ایجاد شهرکهای یهودی نشین در سرزمینهای فلسطینیان و مناطق عربی اشغال شده و نادیده گرفتن حقوق ساکنین عرب این مناطق، محکوم شد.

اجلاس یازدهم وزرای امور خارجه «سکا»، فاقد تحولی جدید در مواضع سازمان کنفرانس اسلامی پیرامون مسأله فلسطین بود، لذا از ذکر مصوبات این اجلاس صرف نظر می شود. در دوازدهمین اجلاس وزرای امور خارجه «سکا»، اعضای این سازمان تصمیم گرفتند موضع مشترکی در سازمان ملل متحد، در قبال اقدامات رژیم اسرائیل اتخاذ نمایند.

این مواضع در سه مورد خلاصه شده که ذیلاً به آن اشاره می شود.

الف) مخالفت با تعیین بیت المقدس به عنوان پایتخت رژیم اسرائیل.

ب) تلاش اعضا برای تعلیق عضویت رژیم صهیونیستی در سازمان ملل و سازمانهای

ج) اعمال مجازاتهایی که در فصل هشتم از منشور سازمان ملل، علیه رژیم صهیونیستی اتخاذ گردیده است.

این مجازاتها به دلیل نقض اصول منشور سازمان ملل و اعلامیه رسمی حقوق بشر، علیه اسرائیل در نظر گرفته شده است.

تصمیمات اجلاس دوازدهم وزرای امور خارجه در خصوص مسأله فلسطین اشغالی، بیانگر این واقعیت است که «سکا» تلاش می‌کند در طیف وسیع‌تری، با توسعه طلبی رژیم صهیونیستی مقابله کند و حمایت جهانی را به منظور تحقق اهداف خود جلب نماید.

از جمله مواضع برجسته و قابل ذکر دولتهای اسلامی در این اجلاس، تصویب تأسیس دفتری اسلامی در دبیرخانه سازمان کنفرانس اسلامی برای هماهنگی نظامی با فلسطین است^۱ هدف این دفتر، ارائه خدمت به فلسطینیان و تأمین نیازهای سازمان آزادی بخش فلسطین در زمینه تجهیزات نظامی می‌باشد^۲.

سیزدهمین اجلاس وزرای امور خارجه «سکا»، پس از حمله نظامی رژیم اسرائیل به جنوب لبنان برگزار شد. لذا، بررسی مواضع سازمان کنفرانس اسلامی پیرامون تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان در خور بحث و بررسی است.

سازمان کنفرانس اسلامی طی قطعنامه‌ای، رژیم اسرائیل را به دلیل اشغال سرزمین لبنان و تجاوز علیه پایتخت، شهرها و روستاها و اردوگاههای فلسطینی در این کشور محکوم کرد و از اقدامات حکومت لبنان و قطعنامه‌های شورای امنیت مبنی بر افزایش فشار بر دشمن صهیونیستی، برای پایان دادن به تجاوز علیه لبنان و عقب نشینی فوری، کامل و بی‌قید و شرط این رژیم از خاک لبنان پشتیبانی کرد^۳. همچنانکه اشاره شد این اجلاس، پس از گذشت مدت

کوتاهی از تجاوز رژیم صهیونیستی علیه تمامیت ارضی لبنان تشکیل شد، لذا قطعنامه فوق میزان حساسیت کشورهای اسلامی در قبال سرنوشت لبنان را به نمایش می‌گذارد.

ارتش اسرائیل در سال ۱۹۸۲ میلادی با ادعای اخراج چریک‌های فلسطینی وابسته به سازمان «الفتح» وارد لبنان شد و طی مدت کوتاهی بیروت را به محاصره خود درآورد و فاجعه کم سابقه قتل عام آوارگان فلسطینی در اردوگاه صبرا و شتیلارا رقم زد.

در این کشتار بی سابقه شهروندان، دست‌کم ده هزار نفر آواره فلسطینی و ساکنان بیروت به شکل فجیعی به قتل رسیدند. در چنین شرایطی، «سکا» تنها به محکومیت لفظی اسرائیل اکتفا کرد. قطعنامه کنفرانس، سخنی از اعطای کمک‌های نظامی یا اقتصادی به لبنان به میان نیاورد و بیشتر به یک ژست سیاسی شباهت داشت تا یک قطعنامه لازم‌الاجرا، که از سوی کشورهای اسلامی به تصویب رسیده است.

در اجلاس چهاردهم وزرای امور خارجه «سکا»، این اجلاس با برشمردن ۶ بند که مواضع کنفرانس اسلامی در قبال رژیم صهیونیستی و فلسطین را بیان می‌کرد، بر حفظ اصول اساسی خود در قبال مسأله فلسطین تأکید کرد که به علت تکراری بودن مواضع یادشده، از ذکر مجدد آن خودداری می‌کنیم. بر خلاف این اجلاس، در نشست پانزدهم وزرای امور خارجه «سکا»، این سازمان شاهد تحولی قابل ملاحظه در مواضع گذشته خود بود. در این اجلاس، با تصویب قطعنامه‌ای انجام هر اقدام بین‌المللی که برای حل مسأله فلسطین صورت پذیرد و همچنین «طرح صلح فاس» که متضمن به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی بود - مورد تأیید شرکت کنندگان قرار گرفت و کشورهای اسلامی، پشتیبانی خود را از آن اعلام نمودند.

خاطر نشان می‌سازد؛ نطفه طرح حمایت از «طرح فاس»^۱، برای اولین بار در چهارمین

در اجلاس شانزدهم وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی عضو «سکا»، قطعنامه‌ای با مضامین کاملاً جدید پیرامون مسأله فلسطین و راه حل پایان بخشیدن به منازعه خاورمیانه به تصویب رسید.

در این قطعنامه، «کنفرانس تعهد کشورهای عضو به قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد برپایی کنفرانس بین‌المللی صلح تحت نظارت سازمان ملل برای حل مسأله فلسطین و خاورمیانه، که در آن تمامی طرفهای درگیر از جمله سازمان آزادی بخش فلسطین و سایر طرفهای درگیر و دولتهای عضو دائم شورای امنیت شرکت دارند را مورد تأکید قرارداد^۱». طرح موضوع حمایت دولتهای اسلامی از برپایی کنفرانس بین‌المللی صلح آن هم درچارچوب یک قطعنامه سیاسی - حکایت از بروز تحولاتی سریع و عمیق در روند تصمیم‌گیری در کنفرانس اسلامی دارد که ریشه‌های آن را می‌توان در چهارمین اجلاس سران در کازابلانکای مراکش جستجو کرد. در طرح یاد شده، رژیم اسرائیل به عنوان یکی از طرفهای درگیر در مسأله خاورمیانه به رسمیت شناخته شده و این وضعیت حقوقی، به نوبه خود ناقض آن بخش از قطعنامه‌ها و توصیه‌های سازمان کنفرانس اسلامی است که خواستار اخراج نیروهای صهیونیستی از تمامی سرزمینهای اشغال شده است. قبول این طرح از سوی دیگر، روح حاکم بر قطعنامه‌ها و توصیه نامه‌های سازمان کنفرانس اسلامی، که بر بایکوت و قطع مناسبات همه جانبه با رژیم اسرائیل صحه می‌گذارد را در مظان تهدید قرار می‌دهد.

اگرچه اتحاد جماهیر شوروی سابق، بانی اصلی این طرح صلح بود اما به دلیل تعارض با منافع منطقه‌ای آمریکا با مخالفت این کشور مواجه شد. آمریکا، از طرح صلحی در خصوص حل منازعه خاورمیانه حمایت می‌کند که در آن، «ساف» به عنوان نماینده قانونی ملت فلسطین،

در مذاکرات شرکت داده نشود. احزاب اصول‌گرای اسرائیلی نظیر حزب لیکود نیز با برپایی چنین کنفرانسی مخالفت کردند و شرط اصلی خود برای حضور در چنین کنفرانسی را عدم مشارکت «ساف» به عنوان یکی از طرفهای ذی‌نفع در مسأله فلسطین اعلام می‌نمایند. در هر حال، طرح یاد شده حمایت قاطع کشورهای اسلامی را به سوی خود جلب کرده است که نمونه بارز این جانبداری را می‌توان در قطعنامه فوق ملاحظه کرد.

آنچه از قرائن موجود استنتاج می‌شود این است که در مقابل گذشت‌ها و چشم پوشی‌های «سکا» در قبال حقوق مسلم ملت فلسطین، که برخی از این اقدامات با اهداف پذیرفته شده سازمان کنفرانس اسلامی میانیت دارد، رژیم اسرائیل حاضر به اعطای حداقل امتیاز به فلسطینیان نیست.

در هفدهمین اجلاس وزرای امور خارجه «سکا»، کنفرانس تأسف خود را به دلیل از سرگیری روابط دیپلماتیک برخی از دولت‌ها با دشمن صهیونیستی ابراز داشت و این اقدام را متناقض با قطعنامه‌های سازمان کنفرانس اسلامی و نخست وزیران سازمان وحدت آفریقا دانست و از دولتهایی که روابط دیپلماتیک با دشمن صهیونیستی برقرار کرده‌اند، درخواست نمود که در تصمیم خود تجدید نظر کنند^۱.

موضع سازمان کنفرانس اسلامی پیرامون مسأله برقراری روابط با اسرائیل، در مقایسه با مواضع گذشته این سازمان تا حد قابل ملاحظه‌ای تغییر یافته است. در این قطعنامه، به اظهار تأسف در مورد روابط دیپلماتیک با دشمن صهیونیستی اکتفا شده و سخنی از ابراز واکنش‌های تند - چنانکه در اجلاس‌های پیشین ملاحظه می‌شود - به میان نیامده است. به نظر می‌رسد این تغییر موضع، ناشی از پذیرش بی‌قید و شرط مصر به جرگه کشورهای اسلامی است. در هر حال،

ناپذیر بایکوت اسرائیل را با تردید مواجه می‌سازد.

موضوع دیگری که در رابطه با فلسطین در این اجلاس مطرح شد «لزوم تدریس قسمت مجزایی برای جغرافیای فلسطین در مدارس، در تمام سطوح و در همه کشورهای اسلامی بود» این طرح در صورت پیگیری سازمان کنفرانس اسلامی و اجرای همه جانبه آن می‌تواند وضعیت کشور فلسطین، از استقلال تا اشغال آن توسط نیروهای صهیونیستی را مورد بررسی قرار دهد و آگاهی سیاسی دانش آموزان نسبت به مسأله فلسطین و سرگذشت ملت فلسطین را افزایش دهد. هجدهمین اجلاس وزرای امور خارجه «سکا»، تحت تأثیر قیام فلسطینیان در سرزمینهای اشغالی (انتفاضه) که از ۱۹۸۸ آغاز شد با تصویب قطعنامه‌ای به ابراز واکنش پرداخت. در بخشی از قطعنامه، بر پشتیبانی سیاسی و معنوی ملت فلسطین به منظور ادامه قیامی که آنان را قادر خواهد ساخت تا نیروهای دشمن صهیونیستی را از تمام سرزمینهای اشغال شده فلسطین - که قدس شریف نیز جزو آن است اخراج کنند، تأکید شده‌است. قسمتی از قطعنامه کنفرانس، برنامه پشتیبانی از قیام و نهضت فلسطینیان را چنین ترسیم می‌کند: «کنفرانس، دولتهای عضو را دعوت به تشکیل کمیته‌هایی در همه کشورهای جهان اسلام با عنوان «نصرة فلسطین» می‌نماید. این اقدام به منظور پشتیبانی رسمی و مردمی از ملت فلسطین، در سرزمینهای اشغالی صورت می‌گیرد تا آنان بتوانند به مبارزه مشروع خود، با هماهنگی سازمان آزادی بخش فلسطین ادامه دهند^۱. گرچه این قطعنامه، راه‌های عملی حمایت از نهضت فلسطینیان در سرزمینهای اشغالی را مورد بررسی قرار نمی‌دهد اما همچنانکه ملاحظه می‌شود در این قطعنامه کمک‌های مالی، از طریق سازمان آزادی بخش فلسطین در اختیار قیام‌کنندگان قرار می‌گیرد و نه رهبران نهضت در سرزمینهای اشغالی.

فلسطین علیه رژیم صهیونیستی در سرزمینهای اشغالی را هدایت کند. در سال ۱۹۸۸ میلادی، «شورای فلسطین» پس از پایان اجلاس خود در الجزایر طی بیانیه‌ای سیاسی، قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل که اسرائیل را به رسمیت می‌شناخت، پذیرفت. در ۲۷ آوریل ۱۹۸۹ میلادی یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادی بخش فلسطین طی دیدار چند روزه خود از فرانسه، با رئیس جمهور این کشور ملاقات نمود و منشور فلسطین که به منزله سند استقلال فلسطین محسوب می‌شد و بر براندازی رژیم اسرائیل تأکید داشت را ملغی اعلام کرد.

این رفتار سیاسی «ساف»، که در راستای اعمال سیاست مبادله زمین با صلح، به مرحله اجرا درآمده تاکنون نتوانسته است نتیجه روشنی را به ارمغان آورد. در هر حال، ادامه این روند می‌تواند رهبریت «ساف» را برای ادامه مبارزه علیه رژیم اسرائیل با تردید مواجه سازد. نوزدهمین اجلاس امور وزرای خارجه «سکا»، با تشکیل پنج گروه کار، به بررسی پیرامون ۴۰ موضوع سیاسی پرداخت. هجده مورد از این قطعنامه‌ها که به گونه‌ای مسأله فلسطین را مورد بررسی قرار می‌داد، در گروه کاری فلسطین و خاورمیانه به تصویب رسید.

این قطعنامه‌ها، فاقد نقطه عطفی پیرامون مسأله فلسطین بود و تنها به تکرار و تأکید بر مواضع اجلاس‌های پیشین وزرای امور خارجه در مورد مسأله فلسطین پرداخت. یکی از پیش نویس‌های مطروحه در کمیته سیاسی، موضوع «مسأله فلسطین و درگیری عربی - اسرائیلی» بود. این پیش نویس پس از بحث و تبادل نظر میان اعضا با ۱۱ بند مقدماتی و ۲۲ بند اجرایی، ابعاد مختلف درگیری اعراب و اسرائیل من جمله کنفرانس بین‌المللی صلح، انتفاضه، مهاجرت یهودیان، سیاست‌های رژیم صهیونیستی، مواضع کشورهای مختلف را مورد توجه قرار داد. در نهایت قطعنامه‌ای با این عنوان به تصویب اعضای گروه رسید.

بررسی اهم مصوبات سیاسی اجلاس وزرای امور خارجه «سکا» / ۱۹۳

تعویق تاریخ برگزاری آن سرانجام در کراچی پاکستان برگزار شد. همزمان با برگزاری این اجلاس، اوضاع سیاسی پاکستان دستخوش تحولات سیاسی جدی بود. انحلال پارلمان پاکستان و عزل نخست وزیر از سوی رئیس جمهور از جمله تحولات عمده سیاسی این کشور بود. این تحولات بر نحوه برگزاری اجلاس کراچی تأثیر گذاشت تا آنجا که در مراسم افتتاحیه اجلاس به دلیل عدم تعیین وزیر امور خارجه در کابینه جدید، وزیر دارایی ریاست اجلاس را بر عهده گرفت.

یکی از موضوعات سیاسی این اجلاس مسئله فلسطین و درگیری اعراب و اسرائیل بود. قطعنامه مربوط به فلسطین فاقد نقطه عطف جدید بود. نکته درخور توجه در این قطعنامه بازگرداندن واژه «جهاد» به متن قطعنامه بود که در اجلاس ششم سران دولتهای اسلامی در سنگال از قطعنامه مذکور حذف گردیده بود. این تغییر مرهون مساعی هیات نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در کنفرانس کراچی بود.

بطور کلی می‌توان مواضع «سکا» در قبال مسأله فلسطین را با توجه به فراز و نشیبهای آن

به دو برهه زمانی تقسیم بندی کرد:

۱. از آغاز فعالیت «سکا» تا اجلاس چهارم سران در سال ۱۹۸۱.

۲. از اجلاس چهارم سران لغایت اجلاس هفتم سران در ۱۹۹۴.

روی هم رفته، موضع سازمان کنفرانس اسلامی در قبال مسأله فلسطین در دوره اول، مبتنی بر اهداف و اصول مندرج در منشور «سکا» بود. اما در دوره دوم، کنفرانس اسلامی در اصول پذیرفته شده خود پیرامون مسأله فلسطین تجدید نظر نمود. علل و عوامل و ریشه‌یابی دوگانگی مواضع سازمان کنفرانس اسلامی، در یک چارچوب کلی‌تر، در نتیجه‌گیری همین کتاب مطمع نظر قرار گرفته است که در اینجا به منظور خودداری از پیش داوری‌ها از ذکر آن صرف نظر

اشکال گوناگون آن^۱، با بررسی و تصویب کردن قطعنامه‌هایی، به مبارزه با این پدیده پرداخته است.

۱. مبارزه با استعمار

الف) حمایت از استقلال گینه

وزرای امور خارجه کشورهای اسلامی، در دومین اجلاس خود عمل تجاوزکارانه پرتغال علیه مردم گینه را محکوم نمودند و همدردی کامل خود با مردم گینه در مبارزه مشروعشان برای نیل به آزادی و حق حاکمیت بر سرنوشتشان را مورد تأکید قرار دادند و پرتغال را به دلیل ابراز دشمنی با مردم به شدت محکوم کردند.

وزرای امور خارجه کشورهای عضو «سکا»، از کشورهای عضو این سازمان درخواست کردند تا در حد امکان کمک‌های مادی خود را به جمهوری گینه تقدیم نمایند^۲.

قطعنامه فوق، میزان حساسیت کشورهای اسلامی عضو «سکا» در قبال استعمار را نشان می‌دهد. مبارزه با استعمار، به نوبه خود می‌تواند زمینه‌های همبستگی کشورهای اسلامی را فراهم سازد که این مهم نیز از اهداف اصولی مندرج در منشور کنفرانس اسلامی است^۳.

ب) حمایت از استقلال جیبوتی (ساحل سومالی)

وزرای امور خارجه عضو «سکا»، در هفتمین نشست سالانه خود در استانبول ترکیه مسأله ساحل سومالی را مورد بررسی قرار دادند طی قطعنامه‌ای، از فرانسه درخواست کردند تا استقلال فوری و حقیقی و بدون قید و شرط را به مردم ساحل سومالی - بر طبق قطعنامه

بررسی اهم مصوبات سیاسی اجلاس وزرای امور خارجه «سکا» / ۱۹۵

سازمان ملل متحد و قطعنامه اختصاصی شماره ۳۰/۳۴۸ که از سوی سومین نشست این سازمان در مورخ ۱۱ دسامبر ۱۹۷۵ به تصویب رسید، اعطا کند.^۱

در اجلاس هشتم وزرای امور خارجه عضو «سکا»، کنفرانس خوشنودی خود را از نتایج همه پرسسی که روز ۵ مارس ۱۹۷۷ در جیبوتی انجام گرفت، ابراز نمود و مجدداً تأیید کامل خود را در مورد نیل به استقلال این کشور اعلام کرد.^۲

۲. مبارزه با تبعیض نژادی

«سکا»، در راستای تحقق اهداف مندرج در منشور خود و برای عینیت بخشیدن به پاراگراف ۳ از بند الف از ماده ۲ منشور سازمان کنفرانس اسلامی، که بر تلاش برای از بین بردن تبعیض نژادی و استعمار با اشکال گوناگون آن تأکید دارد، در دومین اجلاس وزرای امور خارجه، به شدت حکومت آفریقای جنوبی و حکومت غیرقانونی رودزیا^۳ را به دلیل سرکوب آزادی خواهان در آفریقای جنوبی، آنگولا و موزامبیک و زیمبابوه محکوم نمود و دولتهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی را دعوت کرد تا کمکهای مادی و معنوی خود را ملل آفریقایی، در مبارزاتشان علیه نژادپرستی تقدیم کنند.^۴

این موضع گیری «سکا» پیرامون تبعیض نژادی، کماکان در اجلاسهای بعدی به تناوب به چشم می خورد.

ج) حمایت «سکا» از کشورهای عضو در مقابل تجاوز کشورهای غیر عضو

«سکا»، در راستای «حمایت از مبارزه کلیه ملل اسلامی به خاطر حفظ حیثیت و استقلال

و حقوق ملی خویش»^۱، از کشورهای اسلامی عضو «سکا» در مقابل تجاوزات کشورهای غیر اسلامی به تمامیت ارضی و استقلال آنها پشتیبانی و جانبداری می‌کند.^۲

۱. حمایت «سکا» از کشور پاکستان در مقابل تجاوز هند

وزرای امور خارجه «سکا» در سومین اجلاس خود، موضوع اختلافات فیما بین هند و پاکستان در مورد منطقه جامو و کشمیر را در دستور کار خود قرار دادند و با تصویب قطعنامه‌ای، حمایت کامل اعضا را از پاکستان و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی و استقلال آن کشور اعلام کرد.

کنفرانس، از دو کشور هند و پاکستان درخواست نمود تا قطعنامه شماره (۲۶/۲۳۹۶) مجمع عمومی سازمان ملل که در مورخ ۷ دسامبر ۱۹۷۱ به تصویب رسیده است، بپذیرند و نیروهای نظامی خود را به مرزهای بین‌المللی فرا خوانند.

کنفرانس از هر دو کشور پاکستان و هند دعوت کرد تا تمامی فعالیت‌های جنگی را متوقف کنند و اسرا و زندانیان شهروند را بدون تأخیر و بر اساس منشور ژنو آزاد سازند، در غیر این صورت این مسأله روابط کشورهای اسلامی با هند را تحت تأثیر قرار خواهد داد. شایان ذکر است این قطعنامه «سکا» در پی درگیری مرزی هند و پاکستان در سال ۱۹۷۱ بر سر منطقه مورد تنازع جامو و کشمیر صادر شد.

پس از تشدید درگیری هند و پاکستان بر سر منطقه جامو و کشمیر و تیرگی روابط دو کشور، سازمان کنفرانس اسلامی در راستای حمایت از مواضع سیاسی کشورهای عضو بطور مستمر موضوع جامو و کشمیر را در دستور کار اجلاس‌های وزرای امور خارجه و سران دولتهای

بررسی اهم مصوبات سیاسی اجلاس وزرای امور خارجه «سکا» / ۱۹۷

قالب قطعنامه شماره ۷/۸-س با عنوان در مورد منازعه جامو و کشمیر مورد بررسی قرار دادند در این قطعنامه کنفرانس خواستار حل و فصل مسأله جامو و کشمیر بر طبق تصمیمات سازمان ملل متحد شد. کنفرانس ضمن محکوم کردن نقض گسترده حقوق بشر در کشمیر، خواستار احترام به حقوق اساسی بشر از جمله حق تعیین سرنوشت شد.

سران کشورهای اسلامی در این قطعنامه خواستار به کار بستن تمهیدات لازم برای متقاعد کردن هند به خودداری از نقض فاحش حقوق بشر در مورد ملت کشمیر و ایجاد شرایط مناسب برای تحقق حق تعیین سرنوشت بر اساس قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد شدند.^۱

۲. حمایت «سکا» از افغانستان در مقابل تجاوز نظامی اتحاد جماهیر شوروی

یازدهمین اجلاس وزرای امور خارجه «سکا»، پس از اشغال افغانستان توسط نیروهای ارتش سرخ شوروی، در قبال این تجاوز نظامی از خود واکنش نشان داد. این اجلاس، با تأکید بر قطعنامه شماره (۱/ع/ع) اجلاس فوق‌العاده وزرای امور خارجه «سکا»^۲ در مورد تجاوز نظامی شوروی به افغانستان، نگرانی عمیق خود را از ادامه حضور نظامی شوروی در افغانستان ابراز داشت. کنفرانس مکرراً خواستار عقب‌نشینی فوری، کامل و بی‌قید و شرط نیروهای شوروی از خاک افغانستان شد.

کنفرانس مجدداً، بر احترام به حق ملت افغانستان در تعیین شکل حکومتش و همچنین به اراده ملت برای تعیین نظام اقتصادی و سیاسی خود، بدون مداخله یا فشار خارجی تأکید کرد. کنفرانس، از همه دولت‌ها درخواست کرد که به حاکمیت و یکپارچگی سرزمین، استقلال سیاسی،

مذکور، کمیته‌ای متشکل از وزرای خارجه ایران، پاکستان و دبیرکل کنفرانس اسلامی را مأمور تحقیق پیرامون راهها و وسایل اجرای قطعنامه کرد. این کمیته وظیفه داشت کنفرانسی بین‌المللی را، با نظارت سازمان ملل یا سازمان دیگری به منظور حل همه جانبه بحران افغانستان برپا نماید.^۱

در راستای حل بحران افغانستان، اجلاس سیزدهم وزرای امور خارجه «سکا»، ضمن تأکید مجدد کشورهای اسلامی بر مواضع پیشین خود، توصیه کرد کمیته‌ای متشکل از دبیرکل، وزرای امور خارجه گینه، ایران، پاکستان و تونس، تلاش مستمری را به منظور پایان بخشیدن به اشغال نظامی افغانستان مبذول نمایند.^۲

در اجلاس، هجدهم وزرای امور خارجه، مسأله افغانستان به شکلی کاملاً جدی مطرح شد. این اجلاس، شاهد تحولی اساسی در برخورد با مسأله افغانستان بود که ذیلاً آن را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

هجدهمین اجلاس وزرای امور خارجه «سکا»، دو تصمیم تاریخی را در خصوص مسأله افغانستان اتخاذ نمود:

۱. اعطای کرسی افغانستان به نمایندگان مجاهدین افغان.

۲. به رسمیت شناختن دولت موقت مجاهدین به عنوان دولت قانونی افغانستان.

در این اجلاس، کنفرانس از نقشی که ائتلاف مجاهدین افغان به منظور تحقق اهداف جهادی که ملت افغانستان ایفا می‌کند، ستایش به عمل آورد و از برپایی شورای مشورتی، که نماینده ملت افغانستان است و همچنین از دولت موقت این کشور تقدیر کرد. کنفرانس نمایندگان مجاهدین افغان را برای اشغال کرسی افغانستان در سازمان کنفرانس اسلامی دعوت

بررسی اهم مصوبات سیاسی اجلاس وزرای امور خارجه «سکا» / ۱۹۹

افغانستان را که از سال ۱۹۷۹ میلادی پس از تعلیق عضویت این کشور در کنفرانس، خالی مانده بود، به نمایندگان ائتلاف مجاهدین واگذار نمود.

موضع سازمان کنفرانس اسلامی در قبال مسأله افغانستان، به منزله نقطه عطفی در تصمیمات این کنفرانس پیرامون بحران افغانستان تلقی می‌شد. اما علایق و منافع منطقه‌ای و ایدئولوژیکی برخی از کشورهای عضو «سکا» در مورد آینده افغانستان را نباید نادیده گرفت. این ملاحظات به نوبه خود، می‌تواند به عنوان یک پارامتر اساسی در تصمیمات «سکا» ایفای نقش کند. به عنوان مثال، سه دولت پاکستان، ایران و عربستان به دلیل علایق خاص مذهبی، ژئوپولتیکی و ژئواستراتژیکی، مسائل افغانستان را با دقت دنبال می‌کنند. دولت پاکستان به علت درگیری ده ساله با مسأله افغانستان و حمایت مادی و تسلیحاتی از مجاهدین افغانی از یک سو و مشارکت در موافقتنامه ۱۴ آوریل ژنو پیرامون خروج نیروهای شوروی از افغانستان مصراً از تشکیل دولت موقت مجاهدین افغانی و سرنگونی حکومت مارکسیستی حاکم بر افغانستان حمایت می‌کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز، در راستای حمایت از حرکت‌های اسلامی و به دلیل حفظ امنیت ملی خود، پیوسته از مبارزات ملت افغانستان برای نیل به استقلالشان حمایت می‌کند.

دولت عربستان نیز طی جنگ داخلی، به حمایت مادی برخی از جناح‌های بنیادگرایی مجاهدین پرداخته و پس از جنگ، از نفوذ قابل توجهی در میان این گروه از مجاهدین برخوردار است. دولت عربستان به دلیل نفوذ قابل توجه سیاسی و اقتصادی در کنفرانس اسلامی، نقش تعیین کننده‌ای در به رسمیت شناخته شدن دولت موقت مجاهدین افغان بر عهده داشته است.

قبل از تصویب نهایی قطعنامه پیرامون به رسمیت شناختن دولت موقت افغانستان،

کشورهای عضو، بر اساس اسناد موجود اجلاس هجدهم وزرای امور خارجه به شرح زیر است: نمایندگان کشورهای بنگلادش، مالزی، گامبیا، تونس، کویت، عربستان و پاکستان به قطعنامه رأی مثبت دادند. نماینده جمهوری اسلامی ایران، در رأی گیری سکوت اختیار کرد که بر اساس آیین نامه مربوط، رأی گیری مثبت تلقی شد. نمایندگان یمن شمالی و جنوبی و سوریه اعلام تحفظ کردند و نماینده عراق و فلسطین، به قطعنامه رأی ممتنع دادند.

گرچه سکوت نماینده جمهوری اسلامی در رأی گیری، رأی مثبت تلقی شد اما روی هم رفته، از استحکام رأی مثبت برخوردار نبود. به نظر می رسد این وضعیت، ناشی از ناخشنودی جمهوری اسلامی ایران از عدم مشارکت گروههای هشتگانه مجاهدین مقیم ایران در شورای مشورتی مجاهدین مقیم پشاور پاکستان بوده است.

اعلام تحفظ دو یمن^۱ و سوریه، ناشی از مناسبات دوستانه این سه کشور با اتحاد جماهیر شوروی سابق است. رأی ممتنع رژیم عراق در مورد به رسمیت شناختن دولت موقت مجاهدین، منبعث از نفوذ قابل توجه اتحاد جماهیر شوروی سابق در عراق بود. از سوی دیگر، رژیم عراق تمایلی به استقرار رژیم های بنیادگرای اسلامی در منطقه نداشت و تهاجم نظامی این رژیم علیه جمهوری اسلامی ایران در سپتامبر ۱۹۸۰ و حمایت این رژیم از مارونی های مسیحی لبنان به رهبری میشل عون مؤید این مدعا است.

بطور کلی می توان گفت؛ مواضع کشورهای اسلامی در هجدهمین اجلاس وزرای امور خارجه «سکا» نقش مؤثری در تقویت و تحکیم موقعیت سیاسی مجاهدین افغانی ایفا نمود.

به عبارت دیگر، با اعطای کرسی دولت افغانستان به مجاهدین مسلمان این کشور، دولت موقت مجاهدین از سوی بیش از ۴۵ کشور اسلامی برسمیت شناخته شد.

بررسی اهم مصوبات سیاسی اجلاس وزرای امور خارجه «سکا» / ۲۰۱

ائتلاف مجاهدین در مورخه هشتم اردیبهشت ۱۳۷۱ قدرت را در دست گرفت و تشکیل حکومت اسلامی در این کشور را اعلام کرد.

۳. حمایت «سکا» از جمهوری سومالی در قبال تجاوز نظامی اتیوپی

چهاردهمین اجلاس وزرای امور خارجه «سکا»، در راستای حمایت از دولتهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی، با تصویب قطعنامه‌ای با عنوان «پیرامون درگیری اتیوپی و سومالی» به اتخاذ موضع در قبال درگیری اتیوپی و سومالی پرداخت. در این قطعنامه، کنفرانس تعهد عملی خود در قبال امنیت دولتهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی و امنیت منطقه‌ای آنها را اعلام داشت و تجاوز مسلحانه اتیوپی به جمهوری دموکراتیک سومالی را محکوم کرد. کنفرانس، از اتیوپی درخواست نمود تا نیروهایش را از دو منطقه تحت اشغال خود خارج کند. کنفرانس، تأیید مادی و معنوی خود از سومالی در قبال تجاوز اتیوپی را مورد تأکید قرار داد. گفتنی است، موضوع سومالی به طور مستمر در اجلاس‌های وزرای امور خارجه و سران دولتهای اسلامی در دستور کار «سکا» قرار داشته و قطعنامه‌های مستقل در این زمینه صادر شده است.

۴. حمایت «سکا» از جمهوری اسلامی ایران در قبال تجاوز نظامی آمریکا

در یازدهمین اجلاس وزرای امور خارجه «سکا» که در اسلام آباد پاکستان برگزار شد، کنفرانس به شدت تجاوز نظامی آمریکا به جمهوری اسلامی ایران را محکوم کرد. این کنفرانس،

کنفرانس، جمهوری اسلامی ایران را برای حل و فصل صلح‌آمیز مشکل گروگانها دعوت می‌کند و از ایالات متحده می‌خواهد از هر عملی که مانع حل مسالمت‌آمیز اختلافات است، خودداری نماید^۱.

همچنانکه از متن قطعنامه آشکار است، «سکا»، حمایت صریح خود را از جمهوری اسلامی ایران ابراز می‌دارد و تجاوز نظامی آمریکا علیه تمامیت ارضی ایران را محکوم می‌کند. موضع سازمان کنفرانس اسلامی، این واقعیت را مورد تأکید قرار می‌دهد که تحرکات دیپلماتیک اصولی و به هنگام، می‌تواند در شرایط حساس، دولتی را از حمایت‌های بین‌المللی برخوردار کند.

به عبارت دیگر، باید این مسأله مورد بررسی جدی قراگیرد که در صورت عدم حضور نمایندگان جمهوری اسلامی ایران در اجلاس اسلام آباد، آیا دولتهای اسلامی همین موضع را در قبال مسأله اتخاذ می‌کردند؟ آیا ایالات متحده، در صورت عدم حضور ایران در اجلاس، به همین شدت مورد انتقاد دولتهای اسلامی قرار می‌گرفت^۲؟

آنچه مسلم است اینکه نمی‌توان نقش دیپلماسی فعال را در کسب حمایت‌های بین‌المللی نادیده گرفت.

۵. حمایت «سکا» از جمهوری بوسنی هرزگوین در قبال تجاوز اتحاد یوگسلاوی

جدید

گرچه جمهوری بوسنی هرزگوین تا پنجمین اجلاس فوق‌العاده وزرای امور خارجه

بررسی اهم مصوبات سیاسی اجلاس وزرای امور خارجه «سکا» / ۲۰۲۳